

مقدمه پایان نامه

شعراء زبان ناطق روزگار خویشند. حوادث سیاسی، انقلاب های اجتماعی، جنبش های ملی و ارتباط با ملل غربی، همه و همه زمینه ی بیداری، اصلاح طلبی، آزادیخواهی و سازندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را فراهم ساخت. موج این بیداری در میان گروه ها و طبقات گوناگون جامعه به ویژه در میان شاعران که از احساس عمیق تری نسبت به رنج های مردم برخوردارند، جلوه ی بیشتری یافت. در نتیجه شاعران و ادبای نوگرا و مترقی، تقلید از معانی گذشتگان را کنار نهاده و ادبیات خویش را در خدمت جامعه و به تصویر کشیدن حوادث زمان خود قرار دادند.

از میان شاعران این گرایشات اصلاحی عصر معاصر در سرزمین عراق، می توان به معروف رصافی به عنوان یکی از شعرای نهضت ادبی معاصر عراق اشاره نمود، شاعری که ادبیات را از دایره ی تنگ وجدانی آن خارج نمود و آن را وسیله ای برای بیان مشکلات و احساسات مردم در زندگی روزمره ی آنان تبدیل نمود.

با توجه به جایگاه برجسته ی این شاعر در ادبیات عربی و شهرت اشعار سیاسی، اجتماعی و اندیشه های ادبی وی در میان مردم عراق و نقش اساسی و مهم او در نوآوری و تحوّل شعر و ادب، این پایان نامه بدنبال آن است که از میان مضامین اجتماعی که حجم فراوانی از اشعار دیوان او را به خود اختصاص داده است، بر یکی از مهم ترین مضامین اجتماعی در اشعار او تحت عنوان فقر و غنا تمرکز نموده و با ذکر شواهد شعری از دیوان وی، پرده از افکار و اندیشه های نهفته ی او پیرامون این موضوع برداشته و با بررسی مضامین و اسلوب شعری او در موضوع فقر و غنا، به ویژگی هایی که او را شاعر بینوایان لقب داده است دست یابد.

همچنین سعی شده به سؤالات و ابهاماتی از این قبیل پاسخ داده شود که گرایش معروف رصافی به مسأله ی فقر و غنا در اشعارش به چه میزان است؟ زندگی توأم با فقر شاعر در اندیشه و نگاه او به فقر و محرومیت چه اندازه تأثیر داشته است؟ او به کدامیک از جنبه های فقر و محرومیت در اشعارش بیشتر اشاره داشته و آیا تنها محدود به جنبه ی اقتصادی آن گشته است؟ در بیان مضامین شعری خویش از چه سبک و شیوه ای بهره جسته است و این اسالیب تا چه میزان در به تصویر کشیدن اندیشه های اجتماعی اش به او یاری رسانده است و...؟

در این میان فرضیه هایی نیز به ذهن خطور می نمود که معروف رصافی خود در کودکی

از فقر رنج می برد و در اواخر عمر نیز زندگی را به سختی می گذراند و شاید همین تجربه شخصی زمینه‌ی مساعدی برای توجه او به فقر باشد. وجود فاصله‌ی طبقاتی میان مردم و ظلم و ستم حاکمان باعث بروز این احساس شده است. گویی او تنها بر مضمون فقر اقتصادی تکیه نداشته است و در اشعار خویش از اسلوب قصصی و محسنات بلاغی برای بیان این مضامین استفاده کرده است.

در این پژوهش کتاب‌ها و منابع فراوانی مورد مطالعه قرار گرفت که برخی راهگشای مسیر این پژوهش بوده‌اند. ولی تکیه‌ی اصلی بر دیوان معروف رصافی و برخی کتب نقدی و تاریخی بود که در حوزه‌ی تاریخ ادبیات معاصر عربی و سبک داستانی به رشته تحریر در آمده است.

پر واضح است که با توجه به جایگاه و تنوع مضامین والایی که معروف رصافی در اشعار خویش بدان پرداخته است، بی‌شک فعالیت‌های تحقیقاتی فراوانی پیرامون این شاعر، آثار و مضامین شعری او صورت گرفته است. در مسیر نگارش این پایان‌نامه به برخی بحث‌ها برخوردیم که به شکل پایان‌نامه و مقاله به این موضوع پرداخته بود. از مهم‌ترین پایان‌نامه‌هایی که می‌توان به آن اشاره نمود، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد در دانشگاه تربیت مدرس تهران، تحت عنوان «نقد و تحلیل اشعار معروف رصافی» محمد جواد حصاوی که به اندیشه‌های اجتماعی، سیاسی و بعضی مظاهر اجتماعی شعر معروف رصافی همچون فقر به صورت کلی و گذرا اشاره شده بود.

از مهم‌ترین مقاله‌های مرتبط با این موضوع می‌توان به مقاله‌ای با نام «معروف الرصافی و نزعتة الإجتماعیة إلى المرأة و الفقر» که توسط دکتر ابوالفضل رضایی و دکتر عبدالله شفیعی در فصلنامه‌ی «اللسان المبین» در سال ۱۳۹۰ منتشر شده و مقاله‌ی «معروف الرصافی، محلل اجتماعی للفقر و الحرمان» اسماعیل نادری که در مجله‌ی «التراث الأدبی» در سال ۱۳۸۸ در شماره‌ی چهار آن انتشار یافته است، اشاره نمود. ولی این مقالات به صورت ویژه و به طور کامل به بررسی تمام ابیات و جوانبی که شاعر در دیوان خویش بدان پرداخته است اشاره نداشته‌اند و نقد و تحلیلی بر اشعار شاعر صورت نگرفته است. همچنین در این پایان‌نامه از بررسی مضمون فقرو غنا در کنار بررسی اسلوب و سبک شعری که شاعر برای بیان این مضامین به کار رفته است به جهت پیوند میان مضمون و شکل بهره‌جسته ایم که در هیچ یک از این مقالات بدان

اشاره نشد.

در این پایان نامه سعی گردید از منابع موجود استفاده‌ی مطلوب نموده و پس از مطالعه پیرامون نهضت جدید ادبیات در عراق و آثار شعرای عراقی، برای استخراج اشعار و معانی اجتماعی که در آن به مضمون فقر و غنا پرداخته شده بود، دیوان معروف رصافی به طور دقیق مورد مطالعه قرار گرفت و هر یک از معانی استخراج شد و سپس در هنگام تدوین به بررسی و تحلیل اشعار پرداخته و در خلال آن نمونه‌هایی از اشعار شاعر ارائه گردید تا بر صحت بررسی گواه باشد و در طی مسیر از روش توصیفی تحلیلی بهره‌جسته و این شیوه تا پایان این پژوهش دنبال گردید.

برای رسیدن به مقصود مورد نظر پایان‌نامه‌ی فوق به سه فصل تقسیم گردید. در فصل اول که بیشتر تحت عنوان کلیات ارائه گردید، قبل از بررسی مضامین شعری ابتدا اندکی در ویژگی‌های دوره‌ی زمانی که شاعر در آن می‌زیسته است تأمل نموده و بارزترین شاخصه‌های عصر معاصر را در مبحث ادبیات معاصر عربی بیان شد و سپس از آن جا که برای شناخت اندیشه‌ها، شعر و جایگاه شعری باید به شناخت و درک اوضاع اجتماعی و سیاسی و ادبی محیطی که شاعر در آن زیسته است، نایل آمد تا امکان شناخت همه‌جانبه‌ی شاعر به خوبی فراهم گردد، در همین راستا عراق که زادگاه شاعر بوده است از نظر ادبی و اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی اجمالی قرار گرفت. در مبحث بعدی قبل از پرداختن به مسأله‌ی فقر و غنا در شعر معروف رصافی، به طور کلی تاریخچه‌ی ای از مضامین فقر و غنا در میان تنی چند از شاعران معاصر پیش از رصافی و هم‌دوره‌ی او همچون حافظ ابراهیم، احمد شوقی، جمیل صدقی زهاوی که نام آن‌ها با مضامین اجتماعی قرین گشته است بیان شد. سپس به معرفی شاعر، زندگی، تألیفات و آثار او پرداخته و به طور مشروح فعالیت‌های ادبی و سیاسی و اداری او بیان گردید و هم‌چنین در نگاهی کلی ویژگی‌ها و اغراض شعری او مورد بررسی قرار گرفت.

فصل دوم به بررسی مضامین اشعار و اندیشه‌های اجتماعی معروف رصافی پیرامون فقر و غنا اختصاص یافت که به بررسی و تحلیل اشعار برگزیده از دیوان شاعر پرداختیم. سپس این اشعار در ذیل عناوینی چون اسباب فقر، جلوه‌ها و پیامدهای فقر، راهکارهای فقر زدایی و جلوه‌ها و پیامدهای غنا جای گرفت. در فصل سوم به بررسی اسلوب و سبک شعری پرداختیم که شاعر در بیان این مضامین شعری از آن بهره‌گرفته است و اشعار او را به لحاظ شکل و ساختار مورد بررسی قرار دادیم. این فصل به طور کلی به پنج محور اصلی تقسیم گردید. اولین مبحث،

به جهت ارتباطی که میان مضمون و موسیقی اشعار وجود دارد به ساختار موسیقایی که شامل موسیقی خارجی و داخلی و قافیه می باشد اختصاص یافت و سپس در مبحث بعد به بررسی واژگان و صیغه‌های لغوی اشعار فقر و غنای او پرداختیم. سومین مبحث به ترکیبات و ساختارهای شعری که معروف رصافی در اشعار فقر و غنای خویش به کار برده است، اختصاص یافت. چهارمین محور از این فصل به بررسی وجوه بلاغی که به دو قسمت صور بیانی چون تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز و آرایه های بدیعی که شامل طباق، جناس می باشد، تقسیم گردید که در جهت شناخت آرایه هایی است که شاعر در جهت تزئین کلام خویش به کار برده است. در آخرین مبحث این فصل از آن جا که معروف رصافی بیشتر اشعار فقر و غنای خویش را به صورت منظومه های داستانی سروده است سعی گردید، در فصل اسلوب اشعار، به بررسی ساختار داستانی اشعار فقر و غنای او پرداخته شود تا نسبت به سبک و اسلوبی که برای بیان این مضامین اجتماعی به کار گرفته است آگاهی و شناخت کسب نماییم.

باید دانست که هر پژوهشی در مسیر خویش با موانع و مشکلاتی مواجه می گردد که چه بسا نیل به مقصود را کندتر و دشوارتر می نماید. وجود مشکلات در دست یابی به منابع مرتبط با موضوع و پراکندگی آن در کتابخانه های مختلف باعث گردید، با وجود آنکه از منابع موجود در کتابخانه های دانشگاه علامه طباطبایی، فردوسی مشهد، کتابخانه ی آستان قدس رضوی، ملی تهران و نیز کتابخانه ی آیت الله سیستانی در قم استفاده شده است، ولی امکان دست یابی به منابع فراوانی که از سوی ناقدان و ادبای بزرگ در کشورهای عربی درباره ی این شاعر به رشته ی تحریر در آمده است، کاملاً فراهم نگردید.

در پایان باید اذعان داشت، علی رغم آن که تلاش نمودیم در بررسی حاضر اشعار رصافی از زوایای گوناگون مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد، ولی باید اعتراف کرد که این پژوهش بدون عیب و نقص نخواهد بود. چرا که ضعف و خطا همیشه قرین انسان بوده و کمال مطلق تنها از آن خداوند متعال است. بنابراین امید آن می رود که اساتید و محققان با هدایت و ارشادات ارزنده ی خویش، رهگشای مسیرم در جهت پژوهش و تحقیق در آینده باشند.

«و من الله التوفیق»

فصل اوّل :

کلیّات

مبحث اوّل: ادبیّات معاصر عربی

مبحث دوّم: عراق در عصر نهضت

مبحث سوّم: فقر و غنا در شعر معاصر عربی

مبحث چهارم: معروف رصافی

مقدمه

قبل از پرداختن به مضامین فقر و غنا در شعر معروف رصافی، ابتدا لازم دانسته شد از مباحثی که می توان از آن تحت عنوان پیش زمینه و کلیات یاد نمود سخن به میان آید. چرا که محتوای این مباحث مقدمه‌ی مناسبی برای ورود به غرض اصلی تحقیق محسوب می گردد. هم چنین سعی شد که در این فصل به سؤالات و ابهاماتی از قبیل این که، مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی در شعر معاصر چه جایگاهی داشته است؟ شرایط، اوضاع اجتماعی و اقتصادی عراق که زادگاه معروف رصافی می باشد چگونه بوده است؟ مهم‌ترین عواملی که باعث اهتمام معروف رصافی به مسائل سیاسی و اجتماعی در عصر معاصر گردید چه بود؟ ویژگی‌های بارز اخلاقی و اعتقادی معروف رصافی که در اندیشه‌های اجتماعی او مؤثر بوده است چیست؟ شعر معاصر تحت تأثیر چه حوادث و عواملی به مضامین اجتماعی روی آورده است؟ و ... پاسخ داده شود. بنابراین در این فصل، به چهار مبحث که خود هر یک دارای عناوین فرعی ویژه‌ای می باشد، پرداخته شد.

در مبحث ادبیات معاصر عربی که شاعر در این برهه‌ی زمانی از تاریخ ادبیات عربی جای دارد، سعی شد که به طور گذرا نگاهی به سیر تحولات فکری و ادبی شعر و ادب در عصر نهضت و پس از آن پرداخته تا از این طریق تصویری هر چند کلی از شاخص‌های مهم این دوره به دست آورده و نسبت به عصری که شاعر در آن روزگار می گذرانیده است آگاهی کسب نموده و از طریق بررسی ویژگی‌های شعر معاصر به جایگاه مسائل و مشکلات اقتصادی در ادبیات معاصر عربی دست یابیم.

سپس به جهت بررسی اوضاع اجتماعی و اقتصادی محیطی که شاعر در آن می زیسته است و به سبب پیوندی که میان محیط و حوادث آن با شعر و ادب وجود دارد، به هدف بررسی علل پرداختن معروف رصافی به مضمون فقر و غنا در اشعارش، در مبحث عراق در عصر معاصر به ویژگی‌ها و عوامل محیطی که شاعر را به سمت این مضامین اجتماعی کشانده است اشاره شده و اوضاع و جو ادبی که در زمان او بر شعر و ادب عراق حاکم بوده است مورد بررسی قرار گرفت.

در مبحث فقر و غنا در شعر معاصر عربی در پی آن بودیم که با نگاهی به جایگاه مردم و مشکلات اجتماعی محیط و به ویژه فقر و مسائل اقتصادی در ادبیات قدیم و معاصر و از طریق

بررسی گذرای اشعار چند شاعر عصر معاصر که قبل از رصافی و در زمان نزدیک به او می زیسته اند، همانند حافظ ابراهیم، احمد شوقی و جمیل صدقی زهاوی، نگاهی به مسأله‌ی فقر و غنا در میان شاعران معاصر افکنده تا تصویری کلی از جلوه‌های این مضامین در اشعار شاعرانی غیر از معروف رصافی یافته، تا از این طریق جایگاه فقر و غنا را در اشعار آنان یافته و مقدمه‌ای برای تصویر فقر و غنا در شعر معروف رصافی در فصل بعد به دست آید. در مبحث چهارم برای نمایاندن شخصیت و ویژگی‌های روحی و اصلاح طلبانه‌ی شاعر و آشنایی ذهن مخاطب با شاعر و شعر او، بحثی را به زندگی و شعر او اختصاص داده تا ریشه و علت پرداختن او به مسأله‌ی فقر و غنا را از میان زندگی‌اش جستجو نموده و با ویژگی‌ها و اغراض شعری، آثار و تألیفات او آشنا شده تا درک بهتری از افکار و اندیشه‌های او کسب نموده و مهم‌ترین عواملی را که در گرایش‌های اجتماعی اشعار او مؤثر بوده است بیابیم.

در این فصل از برخی منابع و کتاب‌های نقدی و تاریخ ادبیات عربی که در حوزه‌ی شعر معاصر عربی نوشته شده و نیز از کتبی که به شعر عراق و اوضاع اجتماعی و اقتصادی آن پرداخته بود استفاده گردید. همچنین از بعضی کتاب‌های در دسترس که به معروف رصافی و اشعار او اختصاص یافته بود غفلت نشده است.

مبحث اول: ادبیات معاصر عربی

در مبحث ادبیات معاصر عربی، به لحاظ گستردگی دامنه‌ی موضوعی آن، و نیز از آن جایی که تنها به عنوان پیش درآمدی برای ورود به مباحث اصلی از آن یاد می‌شود به ذکر بارزترین مقوله‌های مطرح شده اکتفا نموده ایم.

۱- ادبیات عربی قبل از جنبش ادبی

ادبیات عربی پس از سقوط بغداد ۶۵۶ هجری رو به سستی نهاد و سیطره‌ی مغولان باعث شد، گروهی از مردم جانب زهد و ترک دنیا را بگیرند و عده‌ای دیگر به بی بند و باری و اباحی‌گری کشانده شوند و ادبیات نیز در میان این حوادث گرفتار زوال و سستی، بازی با الفاظ و آرایش کلامی بدون خلق معانی جدید گردید، تا بدان جا که این دوره به عصر انحطاط شهرت یافت. در این دوره به سبب غلبه‌ی ترک‌ها، شعر عربی به وبای مهلک صنعتگری‌های بی نمک لفظی دچار شد^۱ و مانند بیماری گردیده که بیماری و ضعف در او شدت یافته بود و اگر پرده الفاظ پر زرق و برق را از روی آن برداری، غالباً جز معانی تکراری و به سرقت رفته و ضعیف چیز دیگری نمی‌یابی^۲. این دوره‌ی تاریک همچنان بر جهان عرب حکم فرما بود. در حالی که اروپا پایه‌های نهضت علمی، سیاسی، اجتماعی و... خود را استوار می‌کرد، جهان عرب همچنان در چنبره‌ی زندگی خود و سلطه عثمانی‌ها گرفتار بود و شاعران نیز به سرودن اشعار مناسبات و قصاید غنایی می‌پرداختند و سبک، وزن و اسلوب گذشتگان را رعایت می‌کردند.

۲- جنبش بیداری و نوگرایی

با همه‌ی این شرایط به دوره‌ای می‌رسیم که آن را عصر بیداری می‌نامیم و آن دوره‌ای است که ادبیات را از زوال و انحطاط نجات داد. عصر نهضت همانگونه که از نامش پیداست به معنای عصر تجدید، قیام، پیشرفت، بیداری و... است و در اینجا به معنای پیشرفت ادبیات عربی و حرکت آن به سمت جلو است. بسیاری از نویسندگان معتقدند که آغاز عصر جدید یا همان عصر بیداری، حمله‌ی ناپلئون بناپارت به مصر در سال ۱۷۸۹م است^۳. بدین ترتیب همراه

^۱ - عبدالحسین فرزاد، شعر پویای عرب (رؤیا و کابوس)، ص ۱۶.

^۲ - حنا الفاخوری، تاریخ الأدب العربی، ص ۸۶۳.

^۳ - قدری به محمد زکی، مقدمة فی الأدب الحدیث، ص ۷.

ناپلئون گروهی از ادباء، پزشکان و دانشمندان وارد مصر شدند و شماری مدرسه، کتابخانه و روزنامه در آنجا تاسیس گردید. بدین ترتیب، مصریان بیش از پیش نسبت به اوضاع خودشان آگاهی و بیداری کسب کردند و در برابر غربی‌ها اعتماد به نفس پیدا نمودند و دانستند که از جهت تمدن کهن، از غربی‌ها متمدن‌ترند.

پس از اتحاد عثمانی‌ها با انگلیسی‌ها، فرانسویان از مصر خارج شدند، محمد علی پاشا که تاریخ تحولات اجتماعی و ادبی در مصر با نام او همراه است، به جنبش ترجمه و صنعت چاپ عنایت فراوانی نمود و گروهی را به قصد تقویت سپاه و اهداف نظامی روانه اروپا نمود. در میان جوانان عرب که در گروه‌های آموزشی، برای فرا گرفتن اسرار صنایع جدید به اروپا فرستاده می‌شدند، عده‌ای با گذشت زمان تا حدی از ارزش‌های فرهنگی و فکری – که پیوند محکمی با صنایع داشت – تاثیر پذیرفتند^۱. همچنین بیداری ملل عرب در فواصل زمانی مختلف آغاز شده بود. مثلاً لبنان به علت موقعیت جغرافیایی خاص خود از قرن شانزدهم با اروپا در تماس بوده و مصر در سال ۱۷۹۸ م با روح تمدن جدید آشنا گردید.

۳- عوامل نهضت ادبی

با نگاهی به کتاب‌های تاریخ ادبیات عرب می‌توان از تمامی عواملی که به تحول ادبی انجامید به تفصیل آگاهی یافت. این عوامل که «عوامل نهضت» خوانده می‌شوند، عبارتند از: تأسیس مدرسه، تأسیس دانشگاه، صنعت چاپ و پیدایش مطبوعات، ارسال هیئت‌های اعزامی جوانان مصری به اروپا، دعوت از استادان اروپایی به دانشگاه‌های مصر، ترجمه‌ی آثار غربی، تألیف آثار ادبی جدید، تأسیس فرهنگستان‌های ادبی، شکل‌گیری نمایشنامه و تئاتر، جایگاه شرق و شرق‌شناسان، حرکت استعماری حمله‌ی فرانسه به مصر، رهبران و والیانی چون محمد علی پاشا، سید جمال الدین اُسد آبادی و نقد ادبی که تک‌تک این عوامل در همه‌ی کتب تاریخ ادبیات عربی به طور کاملاً مبسوط تشریح شده است^۲.

بنابراین تهاجم نظامی – سیاسی فرانسه به مصر، با تاثیر گذاری فکری، علمی و اجتماعی نیز همراه بود، هر چند نمی‌توان ساده‌انگارانه تصور نمود که حمله نظامی فرانسه به مصر عامل اساسی این تحوّل بوده است، زیرا این تهاجم، نوعی احساس تلخ کامی برای مردم به همراه

^۱ - محمد رضا شفیعی کدکنی، شعر معاصر عرب، ص ۶۴.

^۲ - برای اطلاع بیشتر ر.ک: حنا الفخوری، الجامع فی تاریخ الأدب العربي (الأدب الحدیث)، صص ۱۱ و ۱۳۲، أحمد حسن الزیات، تاریخ الأدب العربي، صص ۳۱۱ و ۳۱۶؛ قدری به محمد زکی، مقدمة فی الأدب الحدیث، ص ۲۰.

داشت و در بیداری غرور ملی اعراب و اندیشه جدایی از سرزمین عثمانی تاثیر گذاشت. این حمله موجبات دگرگونی و تحول ادبی - فرهنگی را در جهان عرب فراهم ساخت. از زمانی که ادبیات عربی از خمود و جمود عصر انحطاط، بیدار می شد و نخستین گام ها را به سوی عصری نوین برمی داشت، روزگاری دراز به همان راهی که در قرن هجدهم می رفت ادامه داد، و مقید بودن به موضوعات قدیمی و دقت در تعبیر و استواری لغت، فراوانی معانی و صفای شعری و استحکام نظم را مورد عنایت خویش قرار می داد. ولی پس از ارتباط عرب ها با اروپاییان در قلمرو شعر به انقلاب پرداختند، و شاعران به این نتیجه رسیدند که شعر دارای معیارهایی محکم و تغییر ناپذیر است و شاعران باید از استادان گذشته شعر پیروی کنند و سبک پیشینیان را برای رهایی از ابتذال موجود برگزیدند و به شعر دوره زرین ادبیات عربی یعنی دوره عباسی اول، بازگشتند و اسلوب و سبک ابوتّمّام و متنبی را دنبال کردند.

أحمد قبیث^۱ در این زمینه می گوید: «اما سنت گرایان و مقلدان از حرکت احیاء و بازگشت تأثیر پذیرفتند و زمان حاضر را به گذشته نزدیک و متصل نمودند، ولی با وجود این از تحوّل و پیشرفت در شعر دور نماندند^۲». بنابراین پیشتازان عصر نهضت، الگوی خویش را از شاعران عصر عباسی می گرفتند و به شیوه ی آنان به مدح، رثاء و شعر مناسبات تمایل داشتند و به موضوعات کهن پایبند بودند. اما با وجود دگرگونی های پرشتاب فکری و اجتماعی، تقاضای ادبی جامعه نیز نمی توانست در رکود و ضعف باقی بماند و از این رو ادیبان نیاز به تحوّل اساسی در شعر و ادب و محتوای آن را احساس کردند.

۴- مدارس ادبی

شعر عرب در دوران نهضت تجدد گرایی، جریان های مختلفی را پشت سر گذاشته است که این جریان های متعدد توانستند مکاتب ادبی متعددی را در ادبیات معاصر عربی تأسیس نمایند. مهم ترین این مکاتب ادبی عبارتند از: مکتب کلاسیک، مکتب رمانتیک، مکتب رئالیست و مکتب سمبولیسم.

دوره ی کلاسیک ادبیات عربی یا دوره ی تقلید: نخستین مرحله از تحول شعر

^۱ - أحمد قبیث: (متولد ۱۳۴۸ه.ق حماة)، در ارتش سوریه خدمت نمود و از دانشکده ی ادبیات دانشگاه دمشق فارغ تحصیل شد و در آموزش و پرورش مشغول به کار گردید و به تحقیق و تألیف پرداخت. از آثار وی الإملاء العربی، الکامل تاریخ النثر العربی، مجمع الحکم و الأمثال فی الشعر العربی و... می باشد.

^۲ - أحمد قبیث، تاریخ الشعر العربی الحدیث، ص ۱۳.

جدید عرب می باشد و شاعران در این مرحله به میراث شعری عربی پایبند بوده و شکل موروثی قصیده و اوزان عروضی مثل طویل، مدید، کامل و... صورت ها و قالب های قدیمی شعر را به کار می بستند و از حکمت ها، موعظه ها، تعبیرات و الفاظ محکم و استوار، اسالیب و اصطلاحات کهن شعر به خصوص شاعران عصر عباسی بهره می جستند.^۱

پیشگام اصلی دوره ی کلاسیک را باید «محمود سامی بارودی»^۲ دانست. شوقی ضیف معتقد است که: «بارودی شعر را از لغزش سبک های رکیک و ضعیف نجات داد و در آن حیات و روح تازه ای دمید و... و آن را منعکس کننده حقیقی عواطف و احساسات خود و مردم قرار داد»^۳. پیروان مکتب کلاسیک در این دوران به دو دسته تقسیم شدند، گروهی همچنان بر نظام و سبک قدیم قصیده پایبند بودند و از افکار، معانی و خیال شاعران قدیم بهره می جستند که می توان از میان آنان به عبدالمطلب رافعی در مصر و شیخ کاظم آل نوح و دیگران در عراق اشاره نمود.

در کنار آن مکتب نئوکلاسیک وجود داشت که تنها به تقلید از گذشته اکتفا نکردند و به نوآوری و تحول در شعر می اندیشیدند و موضوعات جدیدی همچون اشعار سیاسی و اجتماعی بر شعر کلاسیک افزودند و معانی و خیال پردازی شعرای غرب را به آن اضافه نمودند و قصه، تاریخ، رمان و... سرودند، در حالی که حافظ سبک قدیم بودند.^۴ از سردمداران این مکتب می توان به ، حافظ ابراهیم در مصر، جمیل صدقی زهاوی، معروف رصافی و... در عراق اشاره کرد.

مکتب رومانتیک: این مکتب در آغاز قرن بیستم در مصر با خلیل مطران و پس از او جبران خلیل جبران در لبنان شناخته می شود و پس از بارودی و افزایش ارتباط با غرب، گونه ای از شعر غربی ترجمه شد که با روحیه ی ستم دیده ی شرقی هماهنگی داشت. آثاری از «شکسپیر» و «گوته»، «هوگو» و ... به عربی ترجمه شد و سپس به تقلید از آنان آثاری در ادبیات عرب پدید آمد و مکتب رومانتیسم عربی شکل گرفت. این مکتب معتقد بود که شعر باید بیان یک حالت مهم در «وجود» یا یک فلسفه ی شخصی باشد و شاعر نباید موهبت ذاتی شعر را به مدح فرمانروایان و یا مناسبات بی ارزش عام بکشاند. از شاخه های این مکتب می توان به مدرسه ی

^۱ - ر.ک ؛ واصف ابوشباب ، القدیّم و الجدیّد فی الشعر العربی الحدیث ، ص ۱۷۸-۱۷۴.

^۲ - محمود سامی بارودی: شاعر و سیاستمدار بزرگ مصری است که در سال ۱۸۳۸ در مصر متولد شد و علم را در مدارس نظامی آموخت. در زمان اشغال مصر توسط انگلیس به جزیره ی «سیلان» به مدت هفده سال تبعید شد. او سردمدار مکتب کلاسیک و حرکت «احیاء» و از مهم ترین پیشگامان تجدید حیات شعر عربی معاصر به شمار می آید و در سال ۱۹۰۴ وفات یافت.

^۳ - شوقی ضیف ، الأدب العربی المعاصر فی مصر ، ص ۴۴.

^۴ - أحمد قبش ، تاریخ الشعر العربی الحدیث ، ص ۱۳.

دیوان، آپولو، و مهجر اشاره نمود. که از سردمداران آن ها می توان عبدالقادر مازنی، عبدالرحمن شکری و عباس محمود عقاد در مکتب «دیوان»، «احمد زکی ابو شادی» در مکتب آپولو و میخائیل نعیمه، جبران خلیل جبران، ایلیا ابوماضی و ... را در مهجر نام برد.^۱

مکتب رئالیست: جنگ جهانی دوم از افول رمانتیسم خبر داد. زیرا آغاز این تحوّل را پس از جنگ بلافاصله در مصر و سپس در عراق می توان دید و اثرات نامطلوب آن از جهت تورم و فقر در جامعه‌ی اعراب باعث شد گروهی از جوانان روشنفکر عرب، به رئالیسم روی آورند و آن را راه چاره ای برای دردهای اجتماعی بدانند و رمانتیسم را به دلیل این که از واقعیت به دور بود به شدت مورد انتقاد قرار دهند. اینان به جای طبیعت و گل ها، زندگی شهری را موضوع ادبیات خویش قرار داده، چون زابیده ی شرایط فکری و اجتماعی خاص و عصر علم بود.^۲

از حوادث دیگری که سهمی در شکست رمانتیسم داشت، تراژدی فلسطین بود که باعث شد شاعران به جای پناه بردن به عالم طبیعت و رؤیا به فکر رنج های بی پایان و سیاست های فاسد بیفتند و نوعی التزام ادبی وارد ادبیات گردد که تأثیر آن را در اشعار «صلاح عبدالصبور»، «بدر شاکرالسیاب» و ... در عراق، «خلیل حاوی»، «نزار قبانی» و ... در لبنان و سوریه، «فدوی طوقان» و ... در فلسطین مشاهده می کنیم.

مکتب سمبولیسم: آخرین مکتب مهم در ادبیات معاصر عربی، مکتب رمز گرایی یا سمبولیسم است که با رد بیان صریح و سخن آشکار، با رمز و اشاره از امور تعبیر می کند، زیرا هر خواننده ای، اثر ادبی را به نسبت درک و احساس خود می فهمد، از این رو شاعر باید چنان آثاری به وجود آورد که همگان درک عادی و مشابه از آن نداشته باشند، بلکه هر خواننده ای بنا به وضع روحی و میزان ادراک خویش معنی دیگری از آن دریابد.^۳

ادبیات عرب نیز از این تحول و حرکت به سمت مکتب رمز گرایی دور نماند و این مکتب به دست ادبا و شاعرانی مثل «عبدالرحمان شکری»، «احمد زکی ابوشادی»، «سعید عقل» و ... به شعر و ادب عربی راه یافت. مشاهده کردیم که در شروع قرن بیستم شعر از لحاظ شکل و قالب تحولات و تغییراتی را به خود دید و به تدریج بر اثر تعدّد فرهنگ ها و افزایش ارتباط با

^۱ - برای اطلاعات بیشتر ر.ک؛ دراسات فی الأدب العربي الحدیث و مدارس، عبدالمنعم الحفاجی، ص ۳۰۷ - ۳۲۳.

^۲ - سید رضا حسینی، مکتب های ادبی، ج ۱، ص ۱۵۷.

^۳ - همان، ج ۲، ص ۳۲۳.

فرهنگ و ادبیات غرب، شاعران عرب با نوعی خاص از اشعار شاعران انگلیسی همچون «توماس الیوت» آشنا گردیدند. بنابراین می توان در کنار مکاتب ادبی که از ارتباط و پیوند با غرب حاصل شده است، از دو نوع ادبی به نام «الشعر الحر یا شعر آزاد» و «قصیة النثر یا شعر منثور» یاد نمود که به سبب رعایت اختصار از ذکر آن ها در این مجال چشم می پوشیم.^۱

۵- ویژگی های شعر معاصر عربی

بی شک در هر مرحله از شعر عربی، مضامین و محتوایی وارد شعر می گردد که چه بسا نسبت به مرحله ی پیش از خود تفاوت هایی دارد، که آن نیز بستگی به شرایط و عوامل متعددی دارد که وارد حوزه شعر و ادب می گردد و چه بسا آن را دستخوش تغییر و تحوّل می کند. شعر معاصر نیز به دنبال جریان ها و گرایشاتی که به خود دید، شاهد مضامین و ویژگی های شعری بود که شاید در آن برهه ی زمانی نادر و یا کم رنگ گشته بود. ولی باید دانست که محتوا و ویژگی های هر دوره ی شعری در کنار مراحل شعری دیگر تکامل می یابد و نمی توان ادبیات را پیوندی از یک برهه ی زمانی و خصائص شعری آن دانست. در ادامه به اختصار به برخی از خصائص و مضامین شعر معاصر اشاره می کنیم.^۲

در شعر معاصر عربی مسائل قومی و ملی رنگ ویژه ای به خود می گیرد و مسائل تربیت و نو شدن در برابر وزش های نسیم تمدن فرنگی از قبیل: مسأله آزادی زن و تربیت دختران و تلاش برای رسیدن به کاروان تمدن جدید وارد شعر می گردد. شاعر با واقعیت زمانش در ارتباطی عمیق است نه آنکه از دور به آن بنگرد و توصیفش کند، بلکه با آن ها زندگی می کند و حقیقت زندگی را جستجو می کند. فرهنگ معاصر با تمام جوانبش در شعر معاصر انعکاس می یابد و نه تنها فرهنگ یک ملت، بلکه فرهنگ انسانی در شعر تبلور می یابد و با همه ی زمینه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تمدن نوین مرتبط می گردد.

توجه به زندگی طبقه ی زحمتکش و تهیدست، دعوت به زندگی جدید بر اساس علم و توجه به پدیده های زندگی جدید از قبیل: ماشین، هواپیما و اختراعات تازه، بروز پدیده ی حزن، التزام و ... را می توان از دیگر ویژگی های شعر معاصر دانست. در مجموع می توان گفت که موارد مذکور ویژگی و مضمون کلی شعر این دوره جامعه انسانی است با تمام مظاهر آن و شاعر

^۱ - ر.ک: نازک الملائکه، فضای الشعر المعاصر، صص ۲۳-۱۸۲.

^۲ - ر.ک: عزالدین اسماعیل، الشعر العربي، فضایاه وظواهره الفنیة واللغویة، صص ۱۵-۱۳، محمدرضا شفیعی کدکنی، شعر معاصر عرب، ص ۴۹.

در آن همانند یک پیشوای اجتماعی است که خود را موظف می‌داند که با زبان شعر مردم را به پیش فرا بخواند.

مبحث دوم: عراق در عصر معاصر

پر واضح است که محیط اجتماعی و اقتصادی و به طور کلی جامعه و حوادث آن تأثیری مستقیم بر روی شاعران و به ویژه ادبیات و شعر آنان به جای می‌گذارد. لذا بهتر آن دانستیم که قبل از پرداختن به شرح حال شاعر و شعر او، نگاهی گذرا به شرایط محیطی بیندازیم که شاعر در آن روزگار گذرانیده است.

۱- اوضاع اجتماعی و اقتصادی عراق در عصر معاصر

سرزمین عراق در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم، تحت سلطه ی حکومت عثمانی بود، کارگزاران حکومتی به دنبال خشنود کردن دستگاه حکومت مرکزی و جلب اعتماد مردم بودند تا مدت فرمانروایی آنان به طول بینجامد و نیز از مزایای مادی بی بهره نمانند. در مقابل آن، درهای زندگی سیاسی و علمی تنها برای تعداد اندکی از ثروتمندان و صاحبان قدرت و مقام گشوده بود و بیشتر مردم در نادانی و عقب ماندگی به سر می بردند. ابراهیم الوائلی در کتاب خود چنین بیان می کند: « پژوهش و بررسی اوضاع اجتماعی عراق در خلال قرن نوزدهم برای پژوهشگر عصر جدید کار چندان آسانی نیست، چرا که مورخانی که به بررسی عراق در آن دوره ی زمانی پرداخته اند، تصویر واضحی از جنبه ی اجتماعی و ابعاد آن رسم ننموده اند و شاید روی آوردن آنان به جنبه و بعد سیاسی و تقلید از مورخان پیشین، آن ها را به سستی در به تصویر کشیدن شایسته و مناسب جامعه و ویژگی ها و پدیده هایش واداشته است. نوشته های مورخان عراق از حوادث کلی سیاست، جنگ ها و انقلاب ها یا امور حکومت و والیان تجاوز نمی کند و اگر چیزی از تصویر جامعه و زندگی مردم را در کتاب یا مجموعه ای ببینیم، به صورت تصادفی آمده است و به منظور نیاز سیاسی اشاره بدان لازم بوده است»^۱.

نظام اجتماعی عراق به طبقه فئودال ها، مالکان و کشاورزان تقسیم می شد. فئودال ها و طبقه ی حاکم در رأس ترکیب طبقاتی قرار داشتند و دارای قدرت زیادی بودند و پس از آن طبقه ی تاجران ثروتمند، مالکان و بزرگان سرمایه دار بودند که گروه اندکی از مردم عراق را در بر می گرفتند و سپس طبقه کشاورزان و صنعتگران و... قرار داشتند که با وجود تولید، در فقر و

^۱ - ابراهیم الوائلی، الشعر السیاسی العراقي في القرن التاسع عشر، صص ۷۶ و ۷۷.

بدبختی به سر می بردند تا جایی که فرزندان این طبقات مجبور می شدند در پشت دیوارهای شهر و در صحرا به دنبال یافتن قوتی برای خود باشند و یا با پیوستن به گروه دزدان، از طریق غارت و کشتار دیگران، مایحتاج زندگی خویش را تأمین کنند.

بدین ترتیب عراق، به بستری برای دزدان و غارتگران و پناهگاهی برای طغیان گران تبدیل شد و اضطراب و آشفتگی بر زندگی مردم سایه افکند تا جایی که یوسف عزالدین می گوید: «یکی از مورخان آرزوی حاکم ظالم و ستمگری را می نمود که کشور را از این اضطراب و نگرانی نجات بدهد»^۱. زیرا حکومت و اداره نادرست آن، از نتایج سستی دولت در اداره ی امور کشور بود و نیز کارگزاران حکومتی، اشرار را به ایجاد نا امنی تحریک می نمودند تا بدین وسیله به اموال مردم راحت تر دسترسی پیدا کنند، در نتیجه مردم از ترس غارت دزدان و طمع والیان زراعت و تجارت را رها نموده و گرانی و فقر به وضوح در زندگی اقتصادی آشکار گردید^۲.

محمد حسن علی مجید در این راستا می گوید: «ثروتمندان و تاجران شهرها، مغازه هایشان را بدون کالا و خراب رها کردند و لباس های کهنه و فقیرانه به تن می کردند تا توجه کسی را جلب نکنند و برای غارت و مالیات سنگین به سراغشان نروند...»^۳.

آشفتگی و اضطراب سیاسی، نبود امنیت، کاهش تولید و زراعت و سنگینی مالیات هایی که از سوی حکومت وضع می شد باعث ایجاد نظام طبقاتی در عراق گردید و به همین دلیل مهاجرت از روستا به شهر برای جستجوی کار و رهایی از حاکمیت فئودال ها افزایش یافت.

بنابراین مشکل فقر از مهم ترین مشکلات سرزمین عراق بود تا جایی که مبالغه نیست اگر گفته شود: «اکثر مردم عراق در فقری به سر می بردند که در جهان متمدن نظیری برای آن وجود ندارد، چرا که تنها نیازمند به رفع گرسنگی نبودند، بلکه از مسکن و لباس و حتی وسائل روشنایی و آب آشامیدنی نیز محروم بودند...»^۴.

این شرایط اجتماعی و اقتصادی و سیاست تبعیض و تفرقه ای که حکومت در بین افراد ایجاد نموده بود، باعث ایجاد شکاف در بین مردم عراق گردید و در نتیجه به عناصر و طوایفی تقسیم شدند که هدف یا احساساتی مشترک آن ها را بهم نزدیک نمی ساخت بنابراین، در

^۱ - یوسف عزالدین، الشعر العراقي أهدافه و خصائصه في القرن التاسع عشر، ص ۱۴ و ۱۵.

^۲ - ر.ک: عبدالرضا صادق، في أدب العراق الحديث، ص ۲۲۱.

^۳ - محمد حسن علی مجید، أثر البیئة في أدب المدن العراقية في القرن التاسع عشر، ص ۶.

^۴ - عبدالرضا صادق، في أدب العراق الحديث، ص ۴۱۷ و ۴۱۸.

حالتی از یاس، حزن و جهل فرو رفتند. فقر، جهل و بیماری به سرعت منتشر شد و بیشتر نقاط عراق را در بر گرفت علی رغم اینکه این کشور از آب های فراوان و زمین های حاصل خیز بی بهره نبود.

به علت کمبود امکانات درمانی و بهداشتی، روستاها در شرایط بدی قرار داشتند. به طوری که در تمام عراق در سال ۱۹۱۸م تنها یک بیمارستان وجود داشت و بسیاری از مردم عراق به علت سهل انگاری، فقر و وجود خرافات از میان رفتند. عراق به علت سهل انگاری، فقر و وجود خرافات از میان رفتند.^۱

در توصیف جامعه عراق در این برهه ی زمانی، معروف رصافی در قصیده ای خطاب به امین ریحانی در بغداد می گوید:

^۱ - برای اطلاعات بیشتر، ر.ک. الدكتور یوسف عزالدین، الشعر العراقي الحديث و التيارات السیاسیة و الاجتماعیة، ص ۲۰۸ - ۲۰۳؛ ابراهیم الوائلي، الشعر السیاسي العراقي فی القرن التاسع عشر، ص ۸۴-۸۲.

أَمِينٌ جئتَ إلى العِراقِ لِكَي تَرى ما
حُجُّوْله

عَفْوًا... فذاكَ النَجْمُ أَصْبَحَ حَافِئًا
و القَوْمُ مُحْتَرِبُونَ بَعْدَ أَفْوَالِهِ^۱

- ای امین به عراق آمدی تا در آن آغاز بزرگی و شرف و سفیدی‌ها ی پای اسبان
(پیشرفت و جایگاه والای عراق) را ببینی.

- ببخشید شرمنده‌ام که آن ستاره غروب کرده است و مردم پس از غروب آن ستاره
(بزرگی و مجد) با یکدیگر در حال کارزار و جنگ هستند.

بنابراین می‌توان گفت که سرزمین عراق تحت عوامل مختلفی که مهم‌ترین آن‌ها را
نظام استبدادی حاکم و ظلم و ستم ناشی از آن توسط انگلیس تشکیل می‌داد، با وجود منابع
غنی و آب‌های فراوان دچار شکست اقتصادی و ایجاد فاصله طبقاتی فاحش در میان مردم
گردید و طبیعتاً با توجه به رابطه بین محیط و ادبیات، بسیاری از این مضامین و بحران‌های
اجتماعی وارد حوزه ی شعر و ادب گردید.

۲- اوضاع ادبی عراق در عصر معاصر

سرزمین عراق در قرن نوزدهم میلادی از ارتباط دائم با جهان خارج دور بود و از غرب
کمتر تأثیر پذیرفت و خیزش در آن کم و رکود در آن طولانی بود. زیرا از استقلال و رهایی از
دولت عثمانی چیز تازه ای عایدش نشد، آنچنان که مصر از جانب محمد علی پاشا و
جانشینانش بهره مند گردید و هیئت‌های اروپایی برای گشودن مدارس به سمت عراق گرایش
پیدا نکردند و دولت عثمانی، عراق را به عنوان تبعیدگاه مخالفان خود به شمار می‌آورد، به
همین دلیل نهضت عراق تا دوره ی حکومت شریف فیصل (۱۹۲۱-۱۹۳۳م) به تأخیر افتاد. به
علت روی آوردن مدارس به آموزش مطالب و موضوعات کهنه ی عربی چیزی قابل ذکر از
فرهنگ جدید نداشت و نخبه‌های آن دارای فرهنگ محدودی بودند.^۲

شعر عراق در این دوره، علی‌رغم ازدیاد مداخله مبالغه آمیز برای حاکمان و شیفتگی
شاعران به شکل و بازی با الفاظ، جریان ی پویا و نیرومند درخود داشت. بررسی شعر عراق در
قرن نوزدهم میلادی در کشف علل قوت و برتری شعر در قرن بیستم برای ما بسیار مفید است.

^۲ - حنا الفاخوری، تاریخ الأدب العربي (العصر الحدیث)، ص ۹۰۳.

سلمی خضراء جیوسی^۱ معتقد است که: «عده‌ی بسیار اندکی از مورخان توانسته اند شعر قرن نوزدهم عراق را کاملاً ثبت کنند زیرا علی رغم ورود با تأخیر جریان های وارداتی به عراق به دلیل موقعیت خاص آن کشور، عراق در قرن نوزدهم میلادی شاهد جنبش فرهنگی وسیعی بود که محافظت از میراث گذشته و احیای آن را هدف خود قرار داده بود...»^۲.

به طور کلی شعر عراق در این قرن بیشتر پیرامون شعر سیاسی و انقلابی دور می زد و علاقه به شعر قدیم همچنان زنده و پویا بود ولی ارتباط بین شعر و انحطاط فکری و روحی که عراق از آن رنج می برد، باعث شد شعر بیشتر به صورت یک حرفه جلوه گر شده و مضامین اشعار در همان قالب های عروضی خود باقی مانده و در نتیجه از توجه به مردم و زندگی آن ها دور بماند.

از آن جائیکه در سرزمین عراق در این قرن خیزش علمی و ادبی وجود نداشت و عراق نسبت به سرزمین های عربی دیگر مثل شام و مصر از تحولات فکری، اجتماعی و ادبی برخوردار نبود لذا در ادبیات و شعر نیز به تأثیر پذیری از محیط پیرامون خود، مضامین جدیدی بروز نکرد و می توان از شاعرانی در این دوره نام برد که شهرت چندانی کسب نمودند سپس با مرگ خود یاد و نامشان نیز از ذهن ما پاک گردید چرا که آن چه که قریحه های آنان سروده بود جزئی از زندگی مردمشان نبود تا نامشان را در بین مردم جاودانه گرداند کسانی مانند: عبدالباقی فاروقی، عبدالغفار آخرس، صالح تمیمی، حسن بزاز و همانندانشان^۳. بدین ترتیب شعر قبل از جنبش مشروطیت عثمانی ۱۹۰۸ م^۴ به علت آشفتگی اوضاع کشور، عقب ماندگی اجتماعی، فکری و اقتصادی، غلبه ی روح فرد گرایی و نظام قبیلگی، از آزادی بیان، حرارت عاطفه و نیکویی خیال بهره ی چندانی نداشت و ادبیات متونی تقلیدی ارائه می کرد که به سرشناسان، حاکمان و والیان جامعه توجه داشت.^۵ و تنها در بعضی قصائد دینی به شکایت از

^۱ - سلمی خضراء جیوسی: شاعر، پژوهشگر و منتقد ادبی است که در ادن متولد شده و مدیر مؤسسه ی «پروتا» است که در سال ۱۹۸۰ به منظور ترجمه و نشر فرهنگ و ادبیات عربی در کشورهای انگلیسی زبان تأسیس شد. او سال ها در دانشگاه های عربی و آمریکایی به تدریس مشغول بوده است و دهها کتاب تألیفی، ترجمه و تحقیق در کارنامه ی خود دارد.

^۲ - سلمی خضراء الجیوسی، الإتجاهات و الحركات في الشعر العربي المعاصر، ص ۴۸.

^۳ - الصکر حاتم، رفائیل بطی و ریادة النقد الشعري في العراق، ص ۵۴ و ۵۵.

^۴ - دولت عثمانی در قرن نوزدهم برنامه های اصلاحی بسیاری را اجرا نمود که از مهمترین آنها برنامه ی موسوم به تنظیمات بوده است. پس از آن مبارزه ی گروه موسوم به عثمان های جوان رخ داد که به برقراری رژیم مشروطه در عثمانی انجامید. آنان خواهان حفظ اسلام و حفظ عثمانی بودند. در نتیجه تلاش های آنها در (۲۳ دسامبر) سال ۱۸۷۶ م نخستین قانون اساسی عثمانی تدوین شد. به این ترتیب عثمانی به یک مشروطه سلطنتی تبدیل شد.

^۵ - عبدالعزیز الباطینی، دراسات في الشعر العربي المعاصر، ص ۳۰۶.

روزگار و ظلم آن اشاره می کردند. سپس در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم میلادی به دنبال اعلان مشروطیت از سوی حکومت عثمانی که انعکاس مهمی بر روی مردم و به خصوص شاعران داشت، عراق که خود را زیر سلطه ی استبداد عبدالحمید، نظام سرمایه داری و اوضاع نابسامان اجتماعی می دید در مقابل این وضعیت به پاخاست و بدین ترتیب خواهان اصلاح نظام و تحقق عدالت و آزادی شد.

شعر و ادبیات نیز به دنبال این حس انقلابی و ظلم ستیز از گرایش های فردی تا حدودی فاصله گرفت و از دایره ی منفعت شخصی به تفکر در زندگی و مشکلات جامعه انتقال یافت. شاعران از مدح و رثاء کم کم فاصله گرفتند و باب های جدیدی را در شعر وارد نمودند که منشأ آن ها حوادث و واقیت های جامعه ی اطرافشان بود و بر علیه تضاد طبقاتی برای پایه گذاری اصول عدالت اجتماعی شوریدند . بدین ترتیب مرحله ی جدیدی از حرکت و خیزش را در شعر عراق به ثبت رساندند.^۱

پس ادبیات به موضوعات انسانی توجه و اهتمام ورزید و از گرایش اشرافی که تنها متوجه پادشاهان و مسائل مربوط به آن می شد فاصله گرفت و این احساس که ادبیات و شعر عامل مهمی در ساختن تاریخ و تغییر مجرای زندگی و شرایط آن است در آن ها موج می زد .گویی نوعی التزام وارد مضامین شعری این دوره شد که می توان آن را در دیوان شاعرانی چون احمد شوقی، حافظ ابراهیم ، معروف رصافی، خلیل مطران ،الشاعر القروی و... بیابیم.

احمد ابوحاقه معتقد است که: «التزام و تعهد حقیقی تا آن زمان بصورت کلی و آشکار بروز نکرده بود زیرا بیشتر اوقات سخنان از چارچوب نظری خارج نشده و از عمل به دور می ماند و به ندرت به زمینه های عملی کشیده می شد. شاید از علل آن این بود که گفتگوی بین شاعر و مردم برای تحقق معنی التزام کافی نبود...وتفکر شاعران به روح سرمایه داری نزدیک تر بود تا به پایبندی به موضوعات مردمی ...»^۲.

بنابراین گرایش به موضوعات انسانی از لحاظ شکل و مضمون در شعر اثر گذاشت و توجه به مضمون در شعر بیشتر از پرداختن به آرایش های لفظی و صنایع بدیعی مورد عنایت قرار گرفت و شرایط و ضروریات عصری که شاعر خود را عضوی از مردم آن می دانست و احساسات

^۱ - أحمد ابوسعده، الشعر و الشعراء في العراق، ص ۳ و ۴.

^۲ - أحمد ابوحاقه ، الالتزام في الشعر العربي ، ص ۱۸۸.

درونی مؤثری که در او وجود داشت او را به اندیشه واداشت که شاعر حقیقی کسی است که در محیط اطرافش چیزهایی را حس کند که دیگران حس نمی کنند . به دنبال این خیزش و حرکت ادبی دو جریان و گرایش شعری در عراق به وجود آمد^۱:

۱- گرایش تقلیدی و محافظه کارانه که شامل کسانی می شد که پایبند میراث تقلیدی بودند و اشعارشان به لحاظ اسلوب و مضمون امتدادی برای قرن نوزدهم میلادی بود و قصیده هایشان را با غزل یا مدح شروع می کردند و به مبالغه و اطاله ی کلام می پرداختند تا بدان جا که از موضوع اصلی خارج می شدند . از جمله ی آن ها می توان به کسانی مثل «شیخ حسن العذاری» و «سید عبدالمطلب الحلّی» و ... اشاره نمود.

۲- گرایشی که از طریق رفت و آمد در سرزمین هایی مثل سوریه و مصر و آگاهی یافتن از آن چه که در روزنامه ها و مجلات آن مناطق مثل مجله ی الهلال و ... انتشار می یافت ، به وجود آمد. بدین ترتیب بعضی از شاعران از فضای مساجد و محیط های دینی فاصله گرفتند و شعرشان به نغمه های آزادی ، محکوم کردن استبداد و دیکتاتوری فردی و ... مزین شد ، که از جمله این ها می توان نامی از «معروف رصافی» ، «عبدالمحسن کاظمی» و ... برد.

مبحث سوم: فقر و غنا در شعر معاصر عربی

همان طور که بیان شد. به دنبال انقلاب فرانسه و فتح مصر توسط ناپلئون بناپارت (۱۷۸۹م) و آگاهی جهان عرب نسبت به زندگی آزاد و مستقل و عدالت اجتماعی که در سرزمین های عربی کم رنگ گشته بود و هم چنین جنگ های جهانی اول و دوم و استعمار انگلیس، انقلاب اجتماعی بزرگی در سرزمین های عربی به وقوع پیوست که آثار آن به وضوح در شعر و ادبیات قابل رویت می باشد. بدین ترتیب مضامین اجتماعی و اقتصادی در شعر معاصر جایگاه ویژه ای به خود گرفت و از آن جایی که بحران اقتصادی و فاصله طبقاتی میان اقشار مختلف جامعه زاییده این شرایط بود، توانست در میان اشعار شاعران بخشی قابل توجهی را به خود اختصاص دهد. در این قسمت بر آنیم که به جایگاه مضامین فقر و غنا و تصویر زندگی اجتماعی مردم در شعر معاصر عربی و چند تن از شاعران مصر و سرزمین عراق نگاهی بیندازیم تا از این طریق بتوانیم مقدمه ای برای تصویر فقر و غنا در شعر شاعر مورد بحث معروف رصافی بیابیم. میخائیل نعیمه معتقد است که: «یک شاعر نباید در زمان

^۱ - ابراهیم حلّی، مدخل لدراسة الشعر العربي الحديث، ص ۹۸ و ۹۹.